الدراسات الفقهية المقارنة
سنة الاولى، رقم ثانى، الخريف و الشتاء ۱۴۰۰ ش
(DOI) 10.22034/FIQH.2022.88944

اصل العدالة في المعاهدات الدولية في نظر المذاهب الإسلامية

سيد حميد جزايرى*
حميد رضا طوسى**

[تاريخ الاستلام ۱۳۹۹/۰۹/۰۵ تاريخ القبول ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ هـ ق]

ملخّص القول

من منظار المذاهب الإسلامية، وعلى أساس التعاليم القرآنية والسُنّة النبوية، يتداخل الإلتزام بالمواثيق الناجمة عن المعاهدات الدولية مع مبدأ العدالة؛ ولكن فى ضوء ما يوجد بين المذاهب الفقهية من اختلاف فى مبادئ التفسير الفقهى، لا تتساوى مركزية العدالة فى ابرام ونقض التعهدات الدولية، وهو ما يفضى الى تباين الآراء الفقهية ازاءها. يهدف هذا البحث الى توضيح تطابق وتعارض وجهات النظر، وفقاً للاسلوب المقارن، وبحث مسألة مركزية العدالة فى المعاهدات الدولية من وجهة نظر المذاهب الإسلامية فى مجالى الابرام والنقض. فى مجال «ابرام المعاهدات» نظراً الى اختلاف المبنى التفسيرى لكلّ واحد من المذاهب الفقهية، مثل تباين الرؤى حول الجمع الدلالى لآيات الوفاء بالعهد والآيات الدالة على نقض العهود، يصبح للعدالة مفهوم مغاير؛ كما أن المصلحة أو المنافع المتبادلة (العدالة المتبادلة) فى زمان ابرام المعاهدة تُفسّر فى نظر الفقه الحنفى على أنها متبدّلة وذات جانب واحد وينبغى مراعاتها على الدوام، ولكن فى رأى فقه المذاهب الاخرى، يُنظر الى المصلحة على أنها أمر ثابت أثناء العقد، وإلا فإن آيات الثناء على الوفاء بالعهد تصبح غير ذات منزلة. هذا الاختلاف فى المتبنيّات يؤثر فى مبدأ الوفاء بالتعهدات الدولية؛ لأنه فى نظر الفقه الحنفى، عند فقدان استمرار المصلحة أثناء العقد وعدم رعاية العدالة، تكون الدولة الإسلامية فى حِلّ من الالتزام بالمعاهدة، ولكن فى فقه المذاهب الاخرى، يُحكم بنقض العهد عند اثبات وقوع الخيانة والخداع. هنالک تفاوت فى المبانى التفسيرية بين فقهاء المذاهب فى ما يخصّ «نقض العهد» هذا فضلاً عن اختلافهم حول كيفية «الجمع بين دلالة الآيات التى تتحدّث عن نقض العهد»، كما يوجد فى ما بينهم اختلاف فى وجهات النظر حول مفهوم العدالة (بمعنى التساوى أو التناسب). ففى هذا المجال، وعلى العكس مما هو الحال فى ما يخصّ «ابرام المعاهدة»، ليس هناک حدود دينية منفصلة، يرى الفقهاء رعاية العدالة عند النقض فى أحد مفهومى التناسب أو التساوى، بغضّ النظر عن المذهب المقبول عندهم سواء أن كان (شيعياً، أو حنفياً، أو حنبلياً، أو غيرها).

كلمات مفتاحية: فقه المذاهب الإسلامية، المعاهدات الدولية، الآيات القرآنية، السُنّة النبوية، العدالة المتبادلة، النظرية الحقوقية.

---

* استاذ الدراسات العليا فى الحوزه العلمية بقم، الاستاذ المشارک فى قسم القران و العلوم، جامعة المصطفى العالمية (الكاتب المسؤول) quran.olum@chmail.ir

** استاذ مساعد فى قسم القران و العلوم، جامعة المصطفى (ص) العالمية hrtoosi123@gmail.com

مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص۹۰ـ۱۰۹ «مقاله پژوهشی»

اصل عدالت در معاهدات بین‌المللی از منظر مذاهب اسلامی

سید حمید جزایری*
حمید رضا طوسی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳]

چکیده

از منظر مذاهب اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی، وفا به تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی با اصل «عدالت» آمیخته است؛ اما با توجه به تفاوت مذاهب فقهی در مبانی تفسیر فقهی، عدالت‌محوری در انعقاد و نقض تعهدات بین‌المللی یکسان نیست و آرای فقهی را متفاوت می‌سازد. در این مقاله برای روشن کردن تفاوت و اشتراک دیدگاه‌ها، بر اساس روش تطبیقی، مسئله عدالت‌محوری در معاهدات بین‌المللی از منظر مذاهب اسلامی را در دو حوزه «انعقاد» و «نقض» می‌کاویم. در حوزه «انعقاد معاهده» با توجه به اختلاف مبنای تفسیری هر یک از مذاهب فقهی، مانند تفاوت دیدگاه درباره جمع معنایی آیات وفای به عهد و آیات دال بر پیمان‌شکنی، عدالت مفهومی متفاوت پیدا می‌کند؛ چنانکه مصلحت یا منافع متقابل (عدالت تبادلی) در زمان انعقاد معاهده از نظر «فقه حنفی» متبدل و یکسویه تفسیر می‌شود و باید همواره رعایت شود، ولی در دیدگاه فقه دیگر مذاهب، «مصلحت» امر ثابت به هنگام عقد است، وگرنه آیات پاسداشت وفای به عهد بی‌منزلت می‌شوند. این اختلاف مبنایی بر اصل وفا به تعهدات بین‌المللی اثرگذار است؛ زیرا از نظر فقه حنفی، با فقدان تداوم مصلحت به هنگام عقد و رعایت نکردن عدالت، دولت اسلامی مجاز به پیمان‌شکنی است، ولی در فقه دیگر مذاهب، تنها با اثبات خیانت و فریب، حکم به پیمان‌شکنی داده می‌شود. فقهای مذاهب در حوزه «نقض معاهده» نیز علاوه بر تفاوت در مبانی تفسیری فقهای مذاهب، درباره چگونگی «جمع معنای آیات دال بر پیمان‌شکنی» اختلاف و در برداشت از مفهوم عدالت (معنای تساوی یا تناسب) دیدگاه‌های متفاوتی دارند. در این حوزه، بر خلاف ساحت «انعقاد معاهده»، مرزبندی تفکیک‌شده مذهبی در کار نیست و فقها صرف‌نظر از مذهب مقبولشان (شیعی، حنفی، حنبلی و...)، رعایت عدالت به هنگام نقض را در یکی از دو مفهوم تناسب یا برابری پذیرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فقه مذاهب اسلامی، معاهدات بین‌المللی، آیات قرآنی، سنت نبوی، عدالت مبادله‌ای، نظریه حقوقی.

---

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانشیار گروه قرآن و علوم جامعه‌المصطفی العالمیه (ص) (نویسنده مسئول) Quran.olum@chmail.ir.

** استادیار گروه قرآن و علوم جامعة المصطفی العالمیة (ص) hrtoosi123@gmail.com.

بیان مسئله

پیش از آنکه دانش حقوق معاهدات مقرراتی بنیادین مانند عهدنامه ۱۹۶۹م وین را برای سامان بخشیدن به روابط کشورها مقرر بدارد، در فقه مذاهب اسلامی احکامی خاص بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی تدوین شده است. برخلاف نظام حقوق بین‌الملل معاهدات، مفهوم عدالت در هیچ یک از مقررات این نظام‌های فقهی متنوع به کار نرفته است (به جز اشاره‌ای کوتاه در مقدمه و بند ۳ ماده ۴۴). با الهام از بیان صریح آیات الهی بر به‌کارگیری ارزش حقوقی[۱] و نیز معیار انعقاد و نقض تعهدات بین‌المللی، «عدالت» و رابطه آن با قواعد به‌مثابه پرسش‌های بنیادی فلسفه حقوق[۲] اصلی اصیل است.

این رویکرد به ارزش عدالت گزاف نیست؛ چه دین اسلام مجموعه‌ای از گزاره‌های اعتقادی، آموزه‌های اخلاقی و مقررات حقوقی است که شکل‌های مختلف روابط انسان (با خدا، هم‌نوعان و جهان طبیعت) را تنظیم می‌کند.[۳] بر همین اساس در تحلیل‌های فقهی، اصل وفای به عهد با عدالت متناسب با آن در حوزه معاهدات بین‌المللی پیوندی وثیق دارد؛ گو اینکه در نظام حقوق معاهدات که قاعده «وفای به عهد» برجسته است و قواعد استثنائی آن (قاعده تغییر بنیادین و قاعده خروج اختیاری) نیز چنان استحکامی دارند[۴] که نقش عدالت را تنزل داده‌اند.

حال در دیدگاه فقهی مذاهب اسلامی، عدالت در دو حوزه «انعقاد» و «نقض» معاهدات چیست و حقوق و تعهدات دولت‌ها با چه مفهومی از عدالت تعیین می‌شود؟ به عبارت حقوقی، آیا از نظر مذاهب اسلامی و برخلاف نظریه حقوقی، اصل عدالت معیار مشروعیت مقررات حقوقی بین‌المللی به شمار می‌آید؟[۵] با وجود اینکه قرآن کریم

---

۱. جمشیدی و کوزه‌گری، «بنیان‌های هویت‌بخش سیاست خارجی حکومت پیامبر اکرم(ص)»، ص ۱۶۷.

2. Finnis, j., 2014: 69.

۳. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۱۵، ص۷؛ ج۱۶، ص۱۷۸.

4. Crawford, James; Simon Olleson, "The Exception of Non-performance: Links Between the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", p. 59.

۵. ابدالی، *تحلیل مفاهیم حقوقی و هنجار حقوقی*، ص ۴.

منبع نخست در صدور فتاوا است، مبنای اشتراک و اختلاف آرای فقهی مذاهب اسلامی درباره عدالت در حقوق معاهدات چیست؟ کدام یک از این دیدگاه‌های فقهی مذاهب با تفسیر حقوقی حاکم بر معاهدات بین‌المللی مشابهت دارد؟

در این نوشتار پس از تبیین چند مفهوم، نظریه عدالت از منظر فقه مذاهب اسلامی در دو حوزه «انعقاد» و «نقض» معاهدات را بررسی می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی

۱. معاهدات بین‌المللی

در فقه اسلامی از معاهده‌ای که در حقوق بین‌الملل به کار می‌رود، با کلماتی مانند «مهادنه»، «موادعه» و «معاهده» یاد می‌شود.[۱] این مفهوم در فقه مذاهب اسلامی و حقوق معاهدات[۲] تفاوت چندانی ندارد، زیرا عنصر اصلی مفهومی در هر دو، توافق بین‌المللی است.[۳] اگرچه این تعریف در فقه اسلامی گسترده‌تر است، طرف‌های معاهدات فراتر از کشورها هستند[۴] و مصالح متبادل موردنظر است. همچنین همانند عهدنامه وین، در سیره نبوی آمده است که حضرت پیامبر اکرم(ص) برای اجرای شروط معاهدات، اصرار بر مکتوب کردن تمام عهدنامه‌های میان اقوام و قبایل داشته‌اند.[۵] به هرحال به یاد داشته باشیم که در معنای خاص، موادعه[۶] میان مسلمانان و مشرکان در زمان مشخص را معاهده می‌گویند.[۷]

---

۱. حلی، *تذکره الفقها*، ج۲، ص۳۵۲.

۲. «معاهده به معنای توافقی بین‌المللی است که میان کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، اعم از اینکه در سندی واحد یا دو یا چند سند مرتبط به هم آمده باشد، قطع نظر از عنوان خاص آن» (قسمت الف، بند ۱، ماده ۲) (ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ص۱۰۵).

۳. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ص۳۴۸.

٤. همان.

٥. سرخسی، *شرح السیر الکبیر للشیبانی*، ج۵، ص۶۲.

٦. کنار گذاشتن روابط مخاصمانه.

۷. سرخسی، *شرح السیر الکبیر للشیبانی*، ج۵، ص۶۲.

۲. عدالت مبادله‌ای

مراد از مفهوم عدالت در حوزه حقوق معاهدات، عدالت مبادله‌ای است که از تعریف ارسطویی (در شرایط برابر با برابرها رفتار برابر داشته باشیم) گرفته شده است.[۱] در این مفهوم از عدالت، فقها در تفسیر کلماتی مانند «القسطاس» در آیاتی از قرآن کریم ــ مانند ۱۸۳ سوره شعراء و ۳۵ سوره اسراء ــ معنای «تساوی» را اراده کرده‌اند؛ اگرچه عبارت «علی سواء» در آیه ۵۸ سوره انفال[۲] به «تناسب» تفسیر شده است.

پیشینه تحقیق

از میان مکتوبات علمی پیشین مرتبط با مسئله نوشتار حاضر، اثر فقیه معاصر، شیخ زحیلی با عنوان *آثار الحرب فی فقه الاسلامی*، پژوهشی برجسته است. با این همه مسئله اصلی آن تحقیق، بررسی مقایسه‌ای فقه مذاهب اسلامی در اصل استحکام معاهدات بین‌المللی و با مسئله پژوهش حاضر متفاوت است و طبیعتاً مقارنه آرای فقهی، از نظر روش و نظریه‌پردازی، با اثر حاضر اختلاف بسیار دارد.

اثر دکتر کربولی با عنوان *المعاهدات الدولیة إلزامیة تنفیذها فی الفقه الإسلامی والقانون الدولی* نیز با توجه به بررسی محققانه آرای فقه مذاهب اسلامی، اثری مهم است، ولی با توجه به تمرکز اثر بر حوزه اجرا و بی‌توجهی به مسئله «عدالت‌محوری» در انعقاد یا نقض تعهدات بین‌المللی، تحلیل‌هایش در پاسخ به خلأ تئوریک مورد نظر این نوشتار به کار نمی‌آیند.

موضوع اصلی کتاب *القانون الدولی بین الاستقرار والعدالة* نوشته دکتر یوسف عطاری، عدالت در حقوق بین‌الملل است؛ اما اولاً صبغه فلسفه حقوقی دارد، ثانیاً مسئله «عدالت» را در حوزه‌ای فراتر از حقوق معاهدات بررسی کرده و ثالثاً آرای فقهی

---

1. Ackrill and Urmson, Aristotle: 112-17, 1131a-1131b.

۲. «وَ إِمَّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَةً فَانْبِذْ إِلَيهِمْ عَلى سَواءٍ» (انفال: ۵۸).

مذاهب اسلامی را اشاره‌وار آورده است.

عدالت در زمان انعقاد معاهدات بین‌المللی

از نظر فقهای مذاهب اسلامی، حکم جواز انعقاد معاهده با غیر مسلمانان در نظام حقوق اسلامی مستند به بسیاری از آیات الهی مانند «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها»،[۱] «إِلاَّ الَّذِينَ يصلُونَ إِلى قَوْمٍ بَينَكمْ وَ بَينَهُمْ ميثاقٌ»،[۲] «إِلَّا الَّذِينَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئاً»[۳] و «إِلَّا الَّذِينَ عاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ»[۴] است.[۵] علاوه بر این، بر اساس دلالت آیه «الَّذِينَ يوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ»،[۶] حتی کلمه «عهدالله» شامل پیمان‌های میان مردم نیز می‌شود.[۷] این تفسیر در «وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ...»[۸] نیز جاری است.[۹] البته این برداشت عام را روایات نیز تأیید کرده‌اند.[۱۰] همچنین پیمان‌های عقبه اول و دوم میان رسول اکرم (ص) و مردم مدینه در ابتدای دعوت[۱۱] و پیمان با یهود[۱۲] از مصادیق بارز مشروعیت معاهدات در سیره نبوی هستند.

بنابراین در دیدگاه فقه اسلامی، روابط حقوقی مبتنی بر معاهده، حتی با مشرکان

---

۱. انفال: ۶۱.

۲. نساء: ۹۰.

۳. توبه: ۴.

٤. توبه: ۷.

۵. طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج۲، ص۵۰؛ شعرانی، *المیزان الکبری الشعرانیه المدخله لجمیع اقوال الائمه المجتهدین و تعدیلهم و مقلدیهم فی الشریعه المحمدیه*، ج۲، ص۱۷۶؛ خامنه‌ای، «مهادنه، قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس»، ص۵.

٦. رعد: ۲۰.

۷. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ج۱۳، ص۱۵۲.

۸. نحل: ۹۱.

۹. فاضل مقداد، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج۲، ص۱۱۶؛ جصاص، *أحکام القرآن*، ج۳، ص۲۸۲.

۱۰. قمی، *تفسیر القمی*، ج۱، ص۱۶۰.

۱۱. ابن هشام الحمیری، *سیره النبویه*، ج۱، ص۴۳۱ و ۴۳۸.

۱۲. همان، ص۵۰۳.

(هرچند با شرایط خاص)، اصلی عام و مشروع است.[۱]

رابطه مصلحت و عدالت در زمان انعقاد معاهده

از نظر فقهای مسلمان، شرط اصلی انعقاد معاهدات بین‌المللی «مصلحت» جامعه اسلامی همراه با رعایت عدالت طرف‌های معاهده (عدالت مبادله‌ای) است. برای روشن شدن این دو مفهوم هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم.

مصلحت در انعقاد معاهده

فقهای مذاهب اسلامی مشروعیت پیمان بستن با غیر مسلمانان را با استناد به آیاتی مانند «فَلاَ تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ»[۲] و «لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يقَاتلُوكمْ فِى الدِّينِ وَلَمْ يخْرِجُوكمْ مِنْ دِيارِكمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيهِمْ إِنَّ اللَّهَ يحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»[۳] به در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی مشروط کرده‌اند.[۴] حال حقیقت «مصلحت» در معاهدات از نظر فقه اسلامی چیست؟

چنانکه در تعریف مقبول از معاهدات در فقه اسلامی مبنی بر توافق مشترک در اجرای تعهدات متقابل اشاره شد و همچنین با توجه به آموزه قرآنی که حقیقت اساس اجتماع مدنی را داد و ستد می‌داند،[۵] می‌توان به این نکته رهنمون شد که «مصلحت» مورد نظر در معاهدات، در واقع «منافع متقابل» ناشی از اجرای تعهدات بین‌المللی است.[۶]

---

۱. ابن‌العربی، *احکام القرآن*، ج۲، ص۸۸۲ به نقل از زحیلی، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، ص۳۵۵.

۲. محمد: ۳۵.

۳. مائده: ۵۱.

٤. ابی‌یوسف، *الخراج*، ص۲۰۷؛ حلی، *تذکره الفقها*، ص۳۵۳؛ شوکانی، *فتح القدیر*، ج۴، ص۲۹۳؛ ابن‌القدامه المقدسی، *المغنی*، ج۳، ص۱۹۰؛ ج۴، ص۲۶۰ ؛ ابن‌رشدالحفید، *بدایة المجتهد ونهایة المقتصد*، ج۱، ص۳۷۵.

٥. «وَ يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكيالَ وَ الْمِيزانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۸۵).

٦. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۱۵، ص۳۶۳.

بر همین اساس، در تحلیل تفسیری ـ فقهی با فرض مبنای اعتبار این‌گونه روابط مبتنی بر اراده تشریعی حکیمانه، غایت مشروعیت جواز داد و ستدهای حقوقی[۱] نیز برآوردن مصالح و دفع زیان برشمرده شده است.[۲]

از نظر فقهای مذاهب اسلامی، مراد از مصلحت در معاهدات بین‌المللی، قیدی متعلق به احکام شرعی است.[۳] این معنا از مصلحت در احکام شرعی میان فقه مذاهب فریقین مشترک است. توضیح آنکه «متعلق احکام شرعی» یا همان «فعل مکلف» در بسیاری از موارد مقید به وجود «مصلحت شرعی» شده است. در این موارد شارع مقدس عمل مکلف را در صورتی طلب می‌کند که همراه با مصلحت باشد و حکم شرعی به متعلقی تعلق گرفته باشد که مصلحت جزئی از آن باشد.[۴]

شایان ذکر است در حقوق معاهدات بنا بر نظریه بیشتر حقوقدانان، مصلحت به معنای «تبادل منافع متقابل»[۵] است و در تحلیل حقوقی، مبنای وفای به تعهداتِ ناشی از معاهدات به شمار می‌رود.[۶]

مهم ترین دلیل در فقه مذاهب اسلامی برای توجیه حقوقی وجود مصلحت در انعقاد معاهده «مناسبت حکم و موضوع» است. چنانکه روشن است، مناسبت وصف روشن و قاعده‌مندی است که باعث می‌شود وصف معینی علت حکم قرار گیرد.[۷] از آنجا که مناسبت میان حکم و موضوع از جنس ارتکازات عقلی است، می‌تواند جلو

---

۱. شهید اول، *القواعد و الفوائد*، ج ۱، ص۳۸ و ۳۹؛ غروی تبریزی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، ج ۱، ص۴۵.

۲. آل سعدی، *تیسیر الکریم الرحمن*، ص۲۳۵؛ بغدادی، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج ۲، ص۴.

۳. در مقابل مصلحت به عنوان فلسفه تشریع احکام شرعی و مصلحت به عنوان دلیلی برای استنباط احکام شرعی.

٤. رهبر، *مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت*، ص۱۱۶.

5. Recieprocity

6. Hathaway, *Between Power and Principle, An Integrated Theory of International Law*, p. 501-502.

۷. شعبان، *اصول الفقه الاسلامی*، ص۱۴۹.

ظهور کلام را بگیرد و ظهوری دیگر را پدید بیاورد.[۱] در مسئله مصلحت مهادنه نیز می‌توان از این تحلیل بهره گرفت. با این توضیح که با توجه به اینکه مناسبت موضوع و حکم یک نوع قرینه لبّی متصل به دلیل لفظی به شمار می‌رود،[۲] ظهوری برای دلیل لفظی ایجاد می‌کند که مبتنی بر اصل عقلایی حجیت ظواهر خواهد بود و بر اساس این تحلیل، مناسبات عرفی حکم و موضوع مشروط به مصلحت جایز است.[۳]

عدالت تبادلی در حوزه انعقاد معاهدات

پس از روشن شدن مفهوم مصلحت، باید دید مذاهب فقه اسلامی بر اساس چه معنایی از مفهوم عدالت، منافع متقابل (مصلحت) را تعریف کرده‌اند؛ عدالت در مفهوم «تساوی» یا در معنای «تناسب». لازم است یادآوری شود که تأثیر برگرفتن هر یک از این دو مفهوم در آرای مذاهب فقهی اسلامی در حوزه «نقض» معاهدات سرنوشت‌سازتر از حوزه «انعقاد» است.

بنابراین تبیین اختلاف دیدگاه‌ها در این مسئله را به بخش «نقض» ارجاع می‌دهیم و در اینجا تنها اشاره می‌کنیم که بر اساس بررسی آرای مفسران، در تفسیر فقهی عدالت در تعهدات ناشی از معاهدات، مفهوم تساوی بیش از مفهوم تناسب اخذ شده است. مفسران در مدلول آیاتی مانند «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لاتَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَ لاتَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ»[۴] و «وَ أَوْفُوا الْكَيلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِک خَيرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»[۵،۶] دو واژه قسطاس و مستقیم را در معنای تساوی به کار برده‌اند.[۷]

---

۱. حکیم، *مستمسک العروة الوثقی*، ج ۱۰، ص۲۰۵.

۲. صدر، *بحوث فی شرح عروة الوثقی*، ج۱، ص۱۵۳.

۳. خامنه‌ای، «مهادنه، قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس»، ص ۹.

٤. شعراء: ۸۳.

٥. اسراء: ۳۵.

٦. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ج۱۲، ص۱۲۷.

۷. به ترتیب: ثعلبی نیشابوری، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ج۶، ص۹۸؛ علاءالدین بغدادی، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج۳، ص۱۲۹ و ابن‌عجیبه، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج۳، ص

حوزه‌های اختلاف دیدگاه فقهای مذاهب

فقهای مذاهب اسلامی در دو موضع درباره «مصلحت» و تأثیر آن بر مفهوم و مصادیق عدالت اختلاف نظر دارند: ۱. حوزه تعیین مصادیق مصلحت و ۲. حوزه بقای مصلحت پس از انعقاد معاهده.

تعیین مصادیق مصلحت، نخستین اختلاف آرای فقهی مذاهب اسلامی در انعقاد معاهدات است و معانی متنوعی را در بر می‌گیرد؛ از جمله ضعف مسلمانان و ناتوانی از ایستادگی در برابر کفار، امید مسلمان شدن کافران، به دست آوردن مال از آنان.[۱]

دومین اختلاف که اهمیتی به مراتب بیشتر دارد، در تفاوت آرا درباره بقای مصلحتی است که در هنگام انعقاد معاهده وجود داشته است.

مبانی اختلاف آرا درباره عدالت و مصلحت

فقهای حنفی رأی داده‌اند که بنا بر دو دلیل قرآنی[۲] و سیره نبوی،[۳] معاهدات تا زمانی از مشروعیت برخوردارند که منافع مورد نظر در هنگام انعقاد، همواره استمرار یابد و در غیر این صورت، حاکم اسلامی، هرگاه صلاح بداند، حق پیمان‌شکنی دارد.[۴]

جمهور فقهای مذاهب اسلامی، اعم از شیعه اثناعشری و دیگر مذاهب، «مصلحت»

۱۹۸؛ بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج۳، ص ۲۵۵ .

۱. الکاسانی، *بَدَائِعِ الصَّنَائِعِ*، ج۷، ص۱۰۸؛ سمرقندی، *تحفه الفقهاء*، ج۳، ص۲۹۷؛ شوکانی، *فتح القدیر*، ج۵، ص۴۰۴؛ ابن‌نجیم، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، ج۵، ص۸۵؛ ابن القدامه المقدسی، *المغنی*، ص۳۰۱.

۲. انفال: ۵۸.

۳. مانند نقض پیمان با اهل مکه از سوی نبی اکرم(ص).

٤. سرخسی، *شرح السیر الکبیر للشیبانی*، ج۵، ص۷؛ ابن‌نجیم، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، ج۴، ص۸۱.

را تنها به هنگام انعقاد معاهدات شرط می‌دانند؛[۱] بنا بر این دیدگاه و مستند به آموزه قرآنی[۲] و سیره نبوی، حاکم اسلامی، جز در صورتی که طرف دیگر مرتکب خیانت و فریب شود، نمی‌تواند معاهدات را نقض کند.[۳]

مبنای نزاع فقهای مذاهب را می‌توان در تفاوت آرای آنان در جمع میان آیات دال بر وجوب «وفای به عهد» و آیات دال بر جواز «پیمان‌شکنی» کاوید. رأی جمهور فقهای مذاهب اسلامی (الهام گرفته از آموزه‌های قرآنی) از سویی بر این پیش‌فرض استوار است که محرک اصلی دو طرف در انعقاد «معاهدات»، رسیدن به منافع (مصلحت‌های) متقابل است و از دیگر سو، در تحلیل آنان از پیمان‌های اجتماعی (فردی یا جمعی)، میان مصلحت و عدالت در معاهدات بین‌المللی رابطه‌ای وثیق وجود دارد.

توضیح آنکه از نظر این کتاب آسمانی، از جمله آیه «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلًا» و غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده‌اند، شامل عهدهای اجتماعی، بین‌قبیله‌ای، قومی و امتی می‌شوند، مانند وفای به تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی و اجرای مصالح متبادل مورد نظر. همچنین از نظر اسلام، وفا به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفا به عهدهای فردی است؛ زیرا «عدالت اجتماعی» مهم‌تر و نقض آن بلایی عمومی‌تر است.[۴] به عبارت دیگر، عدالت اجتماعی قراردادی عملی است که مضمون آن «استخدام متقابل» است.[۵] ضمن آنکه مضمون عهدهای این انسان‌ها و عمل به آن نیز «عدالت اجتماعی» است.[۶]

بر همین اساس در نظر آنان، حکم وجوب «وفا» به تعهدات بین‌المللی ناشی از

---

۱. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ص۳۶۱؛ خامنه‌ای، «مهادنه، قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس»، ص ۷۷.

۲. آیاتی مانند انفال: ۵۸.

۳. شافعی، الأم، ج۴، ص۱۹۹.

٤. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۵، ص۱۵۹.

٥. همان، ج۲، ص۱۱۶؛ ج۴، ص ۹۲ و۹۳.

٦. یزدانی مقدم، «حسن و قبح و مسئله عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی»، ص۷۳.

معاهدات، صریح آیات قرآن کریم و اصل حاکم است، مگر اینکه نقض پیشین از سوی طرف معاهده انجام پذیرد.[۱] بنابراین، حکم مندرج در آیاتی مانند «وَ إِمَّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَةً فَانْبِذْ إِلَيهِمْ عَلى سَواءٍ إِنَّ اللَّهَ لا يحِبُّ الْخائِنِينَ»[۲] که مبنای جواز نقض متقابل است، استثنائی بر اصل وفای به عهد به شمار می‌رود.

از نظر جمهور فقها، رأی فقهی مذهب حنفی نمی‌تواند تبیین مناسبی از شرط مشروعیت پیمان‌شکنی متقابل[۳] ارائه کند و این آموزه منزلت تأثیرگذاری فقهی خود را از دست داده و زائد و بیهوده می‌نماید. دیگر مستند این مکتب فقهی، یعنی سیره نبوی، را در بخش بعد بررسی خواهیم کرد.

عدالت تبادلی در حوزه نقض معاهدات بین‌المللی

از نظر فقه مذاهب اسلامی و بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، به جز «نقض متقابل»، «نقض ابتدایی» از سوی مسلمانان به هیچ عنوان مشروعیت ندارد.[۴] البته فقهای مذاهب اسلامی بنا بر آموزه‌های قرآنی، جواز پیمان‌شکنی به هنگام «نقض مسبوق» طرف مقابل را مشروط به رعایت عدالت کرده‌اند؛ گو اینکه مبنای تفسیر فقهی آنان از آیات قرآن با یکدیگر متفاوت است.

مستند مذاهب اسلامی در حوزه نقض معاهدات بین‌المللی آیاتی از قرآن کریم، مانند آیه ۲۶ احزاب و ۵۸ انفال، است. سنت، دیگر مستند فقهای مذاهب، نیز نقش مهمی در نظریه‌پردازی آنان دارد؛ چنانکه رسول اکرم (ص) در قبال نقض پیمان برخی از سه گروه یهود (بنی‌قریظه، بنی‌قنیقاع و بنی‌نضیر) عهد را شکستند.[۵]

---

۱. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ص۳۶۳.

۲. انفال: ۵۸.

۳. نقض پیشین.

٤. جصاص، *أحکام القرآن*، ج۴، ص۲۵۲.

۵. زحیلی، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، ص۳۸۴.

کیفیت نقض معاهدات

از نظر فقهای مسلمان، نقض معاهدات از طرف غیر مسلمانان به دو گونه قابل تصور است: نقض کلی و نقض جزئی. جنگ، کمک به دشمن و کشتار مسلمانان از مصادیق بارز گونه نخست‌اند.[۱] حال اگر هر یک از این موارد را برخی از افراد طرف‌های معاهده انجام دهند و دیگر افراد کار آنان را انکار کنند، نقض جزئی صورت گرفته است.

روشن است که در صورت نقض کلی معاهده، مذاهب فقه اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی ــ مانند مفهوم دو آیه سوره توبه «فأَتِمُّوا إِلَيهِمْ عَهْدَهُمْ إِلى مُدَّتِهِمْ»[۲] و «فَمَا اسْتَقامُوا لَكمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ»[۳] ــ و سنت نبوی، پیمان‌شکنی مسبوق به نقض را جایز می‌شمارند. با این همه، در مفهوم عدالت به هنگام نقض معاهده تفاوت دیدگاه‌هایی وجود دارد.

دیدگاه نخست

در دیدگاه نخست، مستند به آیه ۵۸ سوره انفال (وَ إِمَّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلى سَواءٍ إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْخائِنِينَ)، رعایت عدالت به معنای «تساوی» در آگاهی از «نقض معاهده» تفسیر شده است. این برداشت فقهی نزد بسیاری از مفسران مقبولیت دارد.[۴]

بنا بر این رأی، از آیه این معنا برداشت می‌شود که بر مسلمانان جایز است به هنگام ترس از خیانت طرف مقابل، معاهده را نقض کنند، به این شرط که پای‌بند نبودن دولت اسلامی به تعهدات ناشی از معاهده به طرف پیمان‌شکن اطلاع داده شود. علاوه بر این، هشدار به دوست نبودن خداوند سبحان با خیانتکاران در قسمت اخیر آیه ناظر به اجرا نشدن تعهد از سوی دولت اسلامی است.[۵] مبانی تفسیر فقهی این دیدگاه چنین‌اند:

---

۱. دسوقی، *حاشیه علی شرح الکبیر للدردیر*، ج۲، ص۱۸۸؛ بهوتی، *کشف القناع علی متن الاقناع*، ج۳، ص۸۸

۲. توبه: ۴.

۳. توبه: ۷.

٤. مظهری، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج۴، ص۱۰۴.

۵. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۹، ص۱۱۳؛ ثعلبی، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ج۳، ص۱۴۶؛ ابن‌عجیبه، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج۲، ص۳۴۱؛ قرشی، *قاموس قرآن*، ج۳،

مبنای نخست این است که از نظر بسیاری از فقهای مذاهب، میان منطوق این آیه با مفهوم دیگر آیاتِ لزوم وفای به عهد[۱] و آیات دال بر جواز پیمان‌شکنی ــ مانند «بَراءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»[۲] ــ رابطه معنایی وجود دارد.

توضیح اینکه بنا بر تحلیل تفسیری فقها، اولاً میان ظهور مفهومی کلمات مندرج در آیات دال بر وفای به عهد که بر معنای زمانی دلالت دارند، مانند «مدتهم» در آیه ۴ سوره بقره و کلمه «ما» در عبارت «فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ» در آیه ۷ همان سوره، با منطوق آیه ۵۸ سوره انفال رابطه معنایی وجود دارد که جواز «نقض معاهده» را مشروع می‌سازد.[۳] ثانیاً فقهای مذاهب در تحلیل دوم به این رأی معتقد شده‌اند که مدلول آیه ۵۸ سوره انفال، «مصداق» حکم کلی «جواز نقض مسبوق به نقض پیشین» مندرج در آیه اول سوره توبه به شمار می‌آید.[۴] این رابطه معنایی نیز پیمان‌شکنی را جایز می‌سازد.

مبنای دوم این رأی فقهی ـ تفسیری، مفهوم «تَخافَنَّ» مندرج در آیه ۵۸ سوره انفال است که در این تحلیل، با توجه به کاربردهای قرآنی، به معنای قرائن قطعی است.[۵] با توجه به مبنای اخیر این دیدگاه، سیره نبوی در نقض پیمان با مشرکان (نقض پیمان با اهل مکه از سوی رسول اکرم(ص))، در حقیقت پیمان‌شکنی ابتدایی به شمار نمی‌آید، بلکه نقض مسبوق به نقض پیشین طرف معاهده است.[۶]

ص ۳۶۰.

۱. مانند «فَأَتِمُّوا إِلَيهِمْ عَهْدَهُمْ إِلى مُدَّتِهِمْ» (توبه: ۴)، «فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (توبه: ۷) و «وَإِنْ نَكَثُوا أَيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكفْرِ» (توبه: ۱۲).

۲. توبه: ۱.

۳. زحیلی، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، ص ۳۸۱.

٤. فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۱۵، ص ۵۲۳؛ بغوی، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۳۱۴؛ طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، ص ۱۴۷.

۵. قرطبی، *الجامع لأحکام القرآن*، ج ۸، ص ۳۲.

٦. زحیلی، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، ص ۳۶۴.

برخی از فقهای شیعی و دیگر مذاهب اسلامی در حوزه «نقض معاهدات» قائل به این رأی شده‌اند.[۱] البته در استنباط فقهی اخیر، برخی از فقها علاوه بر مبانی یادشده، از مبنای روایی (روایت نبوی) نیز مدد گرفته‌اند و عبارت اخیر آیه «ینبذ الیهم علی سواء» را چنین تفسیر کرده‌اند که دولت اسلامی مکلف است طرف پیمان‌شکن را از به جا نیاوردن تعهدات ناشی از معاهدات آگاه کند.[۲]

در حقوق بین‌الملل معاهدات، با توجه به عنصر «تساوی»، ارزش «عدالت» با عنوان اصل «تبادل منافع متقابل» تجلی یافته است.[۳] با این توضیح که هر گاه یکی از طرفین به تعهد خود وفا کند و دیگری چنین نکند، برابری عملاً مخدوش شده و دولتی که به تعهد خود عمل نکرده، برتری یافته است.[۴]

دیدگاه دوم

در دیدگاه دوم، عدالت‌محوری نه به معنای «تساوی»، بلکه به معنای «تناسب» است و معنای آیه چنین می‌شود: «اگر از خیانت قومی که با آنان پیمان بسته‌ای، ترسیدی با عدالت پیمان را بشکن و به خودشان برگردان؛ همانا خداوند آن خیانت‌پیشگان را دوست ندارد».[۵]

در برخی از آرای فقهای اهل سنت (مانند قرطبی مالکی و جصاص حنبلی) تفسیر اخیر از عدالت‌محوری در نقض متقابل معاهدات به عنوان دیدگاه دوم پذیرفته شده

---

۱. حلی، *تذکره الفقها*، ج۹، ص۳۷۷؛ شوکانی، *فتح القدیر*، ج۲، ص۳۶۵؛ ابن القدامه المقدسی، *المغنی*، ج۹، ص۲۹۹؛ بهوتی، *کشف القناع علی متن الاقناع*، ج۳، ص۱۱۶؛ دسوقی، *حاشیه علی شرح الکبیر للدردیر*، ج۳، ص۱۹۰.

۲. حلی، *تذکره الفقها*، ج۹، ص۳۷۷.

3. Abi-Saab, G., "Whither the International Community?", p. 248.

٤. فضائلی، *اصل برابری در نظام ملل متحد*، ص۷۱.

۵. نووی جاوی، *مراح البید لکشف معنی القرآن المجید*، ج۱، ص۴۳۰؛ میبدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج۴، ص۶۹؛ ابن‌کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج۴، ص۷۰؛ مقاتل بن‌سلیمان، *تفسیر مقاتل بن‌سلیمان*، ج۲، ص۱۲۳؛ ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن*، ج۹، ص۱۴۰.

است؛[۱] گو اینکه برخی از فقهای شیعی، مانند فاضل مقداد و قطب راوندی، تفسیر اخیر از عبارت «علی سواء» را تنها دیدگاه فقهی برگزیده‌اند و رعایت عدالت در نقض پیمان را حکم آیه تفسیر کرده‌اند.[۲] از نظر آنان در این آیه با کاربرد واژه «مثل» و کاربرد مشتقاتی از لفظ اعتداء (فاعتدوا)، مقابله به مثل در پیمان‌شکنی بر اساس رعایت عدالت تشریع شده است. به عبارت روشن‌تر، مدلول این آیه بر رعایت اصل تناسب در روابط قراردادی، از جمله نقض متقابل، دلالت دارد.[۳]

یافته‌های پژوهش

مذاهب فقهی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و روایات مفسر، همواره عدالت، چه به معنای «برابری» و چه به معنای «تناسب»، را معیار تعیین حقوق و تکالیف طرف‌های معاهدات بین‌المللی در دو حوزه «انعقاد» و «نقض» قرار داده‌اند.

از نظر فقهای مذاهب اسلامی، رعایت عدالت به هنگام «بسته شدن معاهده» میان دولت اسلامی با دیگر کشورها در دو ساحت «تعیین مصادیق مصلحت» و «بقای مصلحت» رعایت می‌شود که اتفاقاً در این دو حوزه اتفاق‌نظری در کار نیست؛ گو اینکه مبنای اختلاف در ساحت نخست لزوماً ناشی از تفاوت مذاهب نیست. اما در مسئله «بقای مصلحت»، جمهور فقهای مذاهب تداوم «مصلحت» را تنها به هنگام انعقاد معاهدات شرط می‌دانند، ولی از نظر فقهای مذهب حنفی، معاهدات تا زمانی از مشروعیت برخوردارند که «مصلحت» مورد نظر به هنگام انعقاد، همواره استمرار یابد. این اختلاف در رأی به مبنای تفسیری آنان، یعنی چگونگی رابطه آیات امرکننده به وفای به تعهدات ناشی از معاهدات و آیات دال بر جواز پیمان‌شکنی، بازمی‌گردد.

دیگر موضع اختلاف فقهی مذاهب اسلامی در برداشت از مفهوم «عدالت» در حوزه نقض معاهدات است. «تناسب» یا «تساوی» دو مفهوم متفاوت‌اند که در بحث نقض

---

۱. قرطبی، *الجامع لأحکام القرآن*، ج ۱۰، ص ۵۲؛ جصاص، *أحکام القرآن*، ج ۳، ص ۸۷.
۲. فاضل مقداد، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۷۰؛ قطب راوندی، *فقه القرآن*، ج ۱، ص ۳۵۶.
۳. زحیلی، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، ج ۲، ص ۱۸۱.

متقابل، فقهای مذاهب از آیات الهی مربوطه تفسیر کرده‌اند. در این موضع، بی‌شباهت به موضع نخست، صف‌آرایی فقهای مذاهب بر اساس مبانی مکتب فقهی خاص نبوده است، بلکه آنان آیات دال بر جواز نقض مقابل[1] را بر اساس روش تفسیر فقهی و برگزیدن مفهوم مقبول از عدالت تفسیر کرده‌اند.

۱. مانند انفال: ۵۸.

منابع

الف) منابع فارسی و عربی

آل سعدی، عبدالرحمن بن‌ناصر (۱۴۰۸ق)، *تیسیر الکریم الرحمن*، بیروت: مکتبه النهضه العربیه.

ابدالی، مهرزاد (۱۳۸۹ش)، «تحلیل مفاهیم حقوقی و هنجار حقوقی»، *مدرس علوم انسانی*، ش ۶۷، تابستان.

ابن‌عجیبه، احمد (۱۴۱۹ق)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، حسن عباس زکی، مصر قاهره.

ابن‌رشد الحفید، أبوالولید محمد بن‌أحمد بن‌محمد بن‌أحمد بن‌أحمد (۱۳۷۱ق)، *بدایة المجتهد ونهایة المقتصد*، مطبعه الاستقامه.

ابن‌العربی، ابوبکر محمد بن‌عبدالله (۱۳۷۶ق)، *احکام القرآن*، القاهره: مطبعه الحلبی.

ابن‌کثیر، اسماعیل بن‌عمرو (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتاب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

ابن‌القدامه المقدسی، ابومحمد موفق‌الدین عبدالله بن‌احمد (۱۳۸۸ق)، *المغنی*، قاهره: مکتبه القاهره.

ابن‌نجیم المصری، زین‌الدین (۱۴۱۸ق)، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، دمشق: دارالکتب العلمیه.

ابن‌هشام الحمیری، عبدالملک بن‌ایوب (۱۳۷۵ق)، *سیره النبویه*، طبعه الحلبی.

ابی‌یوسف، یعقوب بن‌إبراهیم بن‌حبیب (۱۳۵۲ق)، *الخراج*، قاهره: المکتبة الأزهریة للتراث.

بغدادی، علاءالدین (۱۴۱۵ق)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل* (تفسیر خازن)، بیروت: دارالکتب العلمیه.

بغوی، حسین بن‌محمود ()، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن* (تفسیر البغوی)، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

بهوتی، منصور بن‌یونس بن‌إدریس (۱۴۰۳ث)، *کشف القناع علی متن الاقناع*، دارالکتب العلمیه.

بیضاوی، عبدالله بن‌عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن‌ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

جصاص، احمد بن‌علی (۱۴۰۵ق)، *أحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

جمشیدی، محمدحسین، کوزه‌گری سعیده (۱۳۹۵ش)، «بنیان‌های هویت‌بخش سیاست خارجی حکومت پیامبر اکرم(ص)»، فصلنامه *حکومت اسلامی*، شماره ۸۰.

حکیم، محسن (۱۴۰۴ق)، *مستمسک العروة الوثقی*، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی.

حلی، حسن بن‌یوسف (علامه) (۱۳۸۵)، *تذکره الفقها*، قم: مؤسسه آل البیت لاحیا التراث.

حمیدالله، محمد (۱۳۷۳)، *حقوق روابط بین‌الملل در اسلام*، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶)، «مهادنه، قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس»، مجله *فقه اهل بیت*، ش ۱۱ـ۱۲.

خدوری، مجید (۱۳۳۵)، *جنگ و صلح در قانون اسلام*، ترجمه غلامرضا سعیدی، بی‌جا: اقبال.

دسوقی، محمد بن‌احمد بن‌عرفه (۱۳۷۳)، *حاشیه علی شرح الکبیر للدردیر*، القاهره: مطبعه مصطفی محمد.

رازی (ابوالفتوح)، حسین بن‌علی (۱۴۰۸)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

رهبر، مهدی (۱۳۸۲ش)، «مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت»، *فصلنامه دانشگاه امام صادق(ع)*، ش ۱۷.

زحیلی، وهبه بن‌مصطفی (۱۴۱۹ق)، *آثار الحرب فی فقه الاسلامی: دراسه مقارنه*، دمشق: دارالفکر، طبعه الثالثه.

زحیلی، وهبه بن‌مصطفی (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت: دارالفکر المعاصر.

سرخسی، محمد بن‌احمد بن‌ابی‌سهل (۱۴۱۷)، *شرح السیر الکبیر للشیبانی*، محمد بن‌الحسن،بیروت: دارالکتبه العلمیه.

سرخسی، محمد بن‌احمد بن‌ابی‌سهل (بی‌تا)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر، الطبعه الثانیه.

سمرقندی، ابوبکر علاءالدین (۱۴۱۴ق)، *تحفه الفقهاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سلیمان، ظافر خضر (۲۰۱۰م)، «المعاهده و الاستئمان فی الشریعه الاسلامیه و القانون»، مجله *ابحاث کلیه التربیه الاساسیه*.

شعبان، زکی‌الدین (۱۹۹۵ق)، *اصول الفقه الاسلامی*، بنغازی: جامعه قاریونس.

شعرانی، شیخ عبدالوهاب بن‌احمد انصاری (۱۲۴۲ق)، *المیزان الکبری الشعرانیه المدخله لجمیع اقوال الائمه المجتهدین و تعدیلهم و مقلدیهم فی الشریعه المحمدیه*.

شافعی، أبوعبدالله محمد بن‌إدریس بن‌العباس (۱۴۱۰ق)، *الأم*، بیروت: دارالمعرفه.

شوکانی، محمد بن‌علی بن‌محمد بن‌عبدالله (۱۴۱۴ق)، *فتح القدیر الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر*، دمشق: دار ابن کثیر.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۱ق)، *بحوث فی شرح عروة الوثقی*، نجف: مطبعة الآداب.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴ش)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، گنج دانش.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی (شیخ)، محمد بن‌حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تصحیح أحمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الإعلام الإسلامی.

طوسی(شیخ)، محمد بن‌حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: مکتبه المرتضویه.

عاملی، محمد بن‌مکی (شهید اول) (بی‌تا)، *القواعد و الفوائد*، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، قم: مکتبة المفید.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۵ش)، *فقه و عقل*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸ش)، *فقه و مصلحت*، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

غروی تبریزی، علی (بی‌تا)، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی* (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خویی)، قم: مؤسسة آل البیت(ع)، چ دوم.

کاسانی الحنفی، علاءالدین أبو بکر بن‌مسعود بن‌أحمد (۱۴۰۶ق)، *بَدَائِعِ الصَّنَائِعِ*، دار الکتب العلمیة.

فاضل مقداد، مقداد بن‌عبدالله (۱۴۱۹ق)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فضائلی، مصطفی (۱۳۷۹)، «اصل برابری در نظام ملل متحد»، *پژوهش‌های فلسفی – کلامی*، ش ۳، بهار.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۸۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، أبوعبدالله محمد بن‌أحمد بن‌أبی‌بکر بن‌فرح الأنصاری الخزرجی شمس‌الدین (۱۴۲۷ق)، *الجامع لأحکام القرآن* (تفسیر القرطبی)، تحقیق عبد الله بن‌عبد المحسن الترکی، مؤسسة الرسالة.

قطب راوندی، سعید بن‌هبةالله (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، قم: منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی.

قمی، علی بن‌ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.

مصطفوی، حسن (۱۳۹۸ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مقاتل بن‌سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن‌سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث.

میبدی، احمد بن‌محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نووی جاوی، محمد بن‌عمر (۱۴۱۷ق)، *مراح البید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۸۹ش)، «حسن و قبح و مسئله عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی»، مجله *علوم سیاسی*، ش ۵۰.

ب) منابع انگلیسی

1. Abi-Saab, G. (1998), "Whither the International Community?", 9 EJIL.
2. Ackrill J. L. and J. O. Urmson (1980), eds., *Aristotle: Introduction to the Nichomachean Ethics,* New York: Oxford University Press.
3. Crawford, James, Simon Olleson (2000), "The Exception of Non-performance: Links Between the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", 21 Australian Yearbook of International Law. p. 59.
4. Finnis, J (2014), *What is the Philosophy of Law*? 59 Am. J. Juris.
5. Hathaway (2005), *Between Power and Principle, An Integrated Theory of International Law*, 71 The University of Chicago Law Review.